

بررسی معماری و طراحی الگوی خطمشی گذاری در پارک‌های علم و فناوری (نمونه موردی: آذربایجان غربی)

چکیده

روش این تحقیق رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) است. در بخش کیفی پژوهش با روش میدانی و هدفمند با ۸ نفر از اساتید دانشگاه و مدیران پارک‌های علم و فناوری در استان آذربایجان غربی، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته و در بخش کمی، اطلاعات از پرسش‌نامه محقق‌ساخته و تکمیل آن از سوی کارکنان و کارشناسان پارک و فناوری، گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌های کیفی، روش تحلیل تم (مضمون) با رویکرد براون و کلارک به کار گرفته شده و در بخش کمی از معادلات ساختاری برای اعتبارسنجی مدل استفاده شده است. بنابر یافته‌های پژوهش، مدل خطمشی گذاری در پارک‌های علم و فناوری با ۸ مقوله کلان و ۲۲ مقوله فرعی استخراج شد که مقوله‌های کلان شامل، ارکان نظام سیستماتیک پارک، الگویابی و الگوسازی، رخدادها و رویدادها، کارکردها و وظایف، سیاستگذاری‌های کلان کشور، اقتصادمحوری، مقوله‌های حمایت و پشتیبانی و فرهنگ‌سازی است.

اهداف پژوهش:

۱. طراحی و اعتبارسنجی الگوی خطمشی گذاری در پارک‌های علم و فناوری.
۲. معماری الگوی خطمشی گذاری در پارک‌های علم و فناوری.

سؤالات پژوهش:

۱. الگوی مناسب در عرصه پارک علم و فناوری چیست؟
۲. چه روابطی بین عناصر و اجزای الگوی مناسب در عرصه پارک علم و فناوری وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها: پارک علم و فناوری، خطمشی گذاری، تحلیل مضمون، معادلات ساختاری.

مقدمه

تحقیق و توسعه به عنوان ضروری ترین عوامل پیشرفت جوامع محسوب می شوند. امروزه توسعه فناوری حاصل فعالیت شبکه‌ای از اجزا و مستلزم روابط مناسب بین این اجزاء هست. یکی از ابزارهای مهم توسعه تکنولوژیک کشورها وجود و حضور مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری (که در نقاط مختلف دنیا با نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند) در مبادلات میان مثلث دولت، دانشگاه، مراکز تحقیقاتی و صنعت می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴). اوانگلیا و همکاران (۲۰۰۷) در تعریفی جامع که از پارک علمی به عمل آورده‌اند می‌گویند که یک پارک علمی سازمانی است که به وسیله افراد متخصص و حرفه‌ای مدیریت شده و هدف اصلی آن افزایش ثروت در جامعه از طریق فرهنگ نوآوری و رقابت‌پذیری میان شرکت‌های مستقر در پارک و شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد.

خطمشی‌گذاری علم چندرشته‌ای است و مفاهیم بسیار گسترده‌ای دارد و تعاریف بسیار زیادی برای آن ارائه شده است. ایستون خطمشی را رابطه یک واحد دولتی با محیط خود تعریف می‌کند (ایستون، ۱۹۹۷). چنین تعریفی کلی بوده و شناخت محدوده‌های این رابطه چندان قابل تشخیص نیست و می‌تواند همه چیز را در برگیرد. توماس دای مدعی است خطمشی به هرآنچه دولت‌ها انتخاب می‌کنند تا انجام دهند یا انجام ندهند، اشاره دارد (اسمیت و لاریمر، ۲۰۱۷). چنین تعریفی مشخص نمی‌کند که آیا آنچه دولت‌ها برمی‌گزینند تا انجام دهند یا آنچه دولت‌ها در عمل انجام می‌دهند، اشاره به خطمشی دارد. علاوه بر این، تعریف فعالیت‌های خرد و کلان دولت به یک اندازه در دایره خطمشی‌های عمومی قرار می‌گیرند که چندان صحیح نیست. ریچارد رز خطمشی عمومی را چنین تعریف می‌کند: خطمشی عمومی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های کم‌وبیش مرتبط به هم که در گستره زمانی طولانی مدت انجام می‌شود و تبعاتی برای افراد دارد و صرفاً یک تصمیم قطعی واحد نیست (روز، ۲۰۰۷). اگرچه این تعریف نیز ابهام‌هایی دارد؛ اما این ایده مثبت در تعریف آشکار است که خطمشی عمومی مجموعه یا مدلی از فعالیت است نه صرفاً یک تصمیم برای انجام کاری. تدوین خطمشی‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت دولتی هست که چارچوبی را برای سایر تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌کند (احمدی‌نیک و طاهری‌گودرزی، ۱۳۹۶). خطمشی باید صریح، واضح، جامع، دارای قابلیت اجرا و انعطاف‌پذیر باشد. مدل‌های خطمشی‌گذاری مسیر حرکت سازمان‌ها و کارکنان را مشخص می‌کنند. مدل‌هایی کارآمد هستند که بتوانند تغییرات مثبت در زندگی اجتماعی ایجاد نمایند. توجه به تجزیه و تحلیل خطمشی‌ها از لحاظ نقاط ضعف و قوت و بازخورد اجرای آن‌ها در جامعه یک موضوع مهم و غیرقابل چشم‌پوشی است. انتخاب ابزار مناسب برای اجرا از مهم‌ترین گام‌های موفقیت سیاست‌ها و خطمشی‌های عمومی محسوب می‌شود. خطمشی‌گذاری مدل‌های گوناگونی دارد که در جدول ۱، ویژگی‌های کلی آن‌ها آورده شده است.

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه توسعه الگو برای خطمشی‌گذاری در سطح ملی و فراملی به ما در طراحی چارچوب نظری پژوهش کمک می‌کند که در زیر به مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اشاره می‌گردد:

بهمن لکی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان بررسی نارسایی‌های تدوین و اجرای خطمشی‌گذاری در سازمان‌های ایرانی انجام داده است. وی بیان کرده است خطمشی‌گذاری عمومی در یک فرایند ساده شامل سه مرحله اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی می‌شود و اهمیت آن در پیشرفت جوامع بر هیچ‌کس پوشیده نیست، لیکن فرایند تدوین و اجرای خطمشی‌گذاری در سازمان‌های ایران با معضلاتی همراه است. براین اساس، مطالعه حاضر باهدف بررسی نارسایی‌های تدوین و اجرای خطمشی‌گذاری در سازمان‌های ایرانی انجام‌شده است. این تحقیق براساس هدف، بنیادی بوده و از

لحاظ ماهیت و شیوه اجرا، از نوع مروری و کتابخانه‌ای بوده و حاصل مطالعه و بررسی و گردآوری نویسندگان از منابع مختلف می‌باشد. در این مقاله ابتدا مبانی نظری خطمشی‌های عمومی توضیح داده شده و سپس فرایند اجرای آن تشریح می‌شود. در ادامه و با استناد به مطالعات و شواهد موجود، نارسائی‌های خطمشی‌گذاری در سازمان‌های ایرانی در قالب ۹ بعد مختلف تبیین می‌گردد. این مقاله با بررسی ادبیات مربوط به نارسائی‌های اجرای خطمشی‌های عمومی و نتیجه‌گیری از مباحث مطرح‌شده به پایان می‌رسد.

در فرایند خطمشی‌گذاری، مرحله اجرا از اهمیت دو چندانی برخوردار است؛ چراکه در واقع ثمره واقعی خطمشی در این مرحله به بار می‌نشیند. در همین راستا، دانش فرد و آرامش (۱۳۹۶) به بررسی چالش‌های خطمشی‌گذاری در فرایند خطمشی‌گذاری عمومی پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که معضلات ناشی از دوگانگی‌های توسعه، روش‌شناسی خطمشی‌گذاری، دوگانگی‌های خطمشی‌گذاری، عقلانیت، جهانی‌شدن، حکمرانی خوب و خطمشی یادگیرنده، چالش‌های خطمشی‌گذاری محسوب می‌شوند. شکری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود در مرحله نخست خود الگویی جامع برای ارزشیابی کیفیت خطمشی‌های عمومی طراحی کرده‌اند. در مرحله دوم روابط بین عناصر الگوی حاصل در معرض آزمون کمی قرار گرفته است. نتایج حاصل مبین آن است که براساس فرایند خطمشی‌گذاری عمومی، مهم‌ترین مراحل تأثیرگذار در کیفیت خطمشی‌های عمومی مرحله تدوین خطمشی عمومی و مرحله مشروعیت‌بخشی به خطمشی عمومی هستند. فریتی و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله خود تحت عنوان «ارائه مدلی بر مبنای تولید عوامل مؤثر جایگزین در فرایندهای خطمشی‌گذاری عمومی» به بررسی وضعیت خطمشی‌گذاری ارضی در ایتالیا پرداخت و خاطر نشان ساخت که عدم رضایت (مشتری، تحلیل‌گر یا ذی‌نفعان مربوطه، به‌ویژه هنگام برخورد با سیاست‌های عمومی) باتوجه به راه‌حل‌های ارائه شده در حال حاضر، نیاز به تغییر در متغیرهای خطمشی‌گذاری را افزایش می‌دهد. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر این بود که مداخله دولتی در سیاست‌های عمومی باعث گسست در تصمیم‌گیری می‌گردد.

«مدیریت جدید بخش عمومی: الگوی غالب در بخش‌های عمومی» عنوان تحقیق انجام شده توسط اسلام (۲۰۱۵) می‌باشد. الگوی NPM از سالیان پیش مورد توجه بوده است که ارتباط تنگاتنگی با بازار و مدیریت بخش عمومی دارد و به‌عنوان جایگزین مدل قدیمی مدیریت مدنظر قرار گرفته است. این الگو به‌صورت مؤثری متفاوت از سبک‌های مدیریتی سنتی می‌باشد که باعث می‌گردد اختیارات مدیران بخش عمومی و سازمان‌های پاداش‌دهنده افزایش یافته و در نتیجه کارایی تولید بخش عمومی ارتقا یابد. به همین منظور، هدف از این پژوهش معرفی و بررسی الگوی NPM می‌باشد که جایگزین سیستم مدیریتی سنتی شده است و نیز تحلیل روندها، اصلاحات حاصله و کیفیت آن در کشورهای آفریقایی و بنگلادش هدف دیگر این تحقیق است.

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش از نوع آمیخته (کیفی - کمی) بوده و هدف آن طراحی و اعتبارسنجی الگوی خطمشی‌گذاری در پارک‌های علم و فناوری است. از آنجاکه لازمه طراحی الگو تعیین مؤلفه‌ها و ابعاد آن است، برای دستیابی به این هدف از روش تحلیل مضمون با رویکرد کلارک و براون^۱ استفاده شد. برای اعتبارسنجی مدل از رویکرد معادلات ساختاری بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی، اساتید دانشگاه و مدیران پارک‌های علم و فناوری در استان آذربایجان غربی است (جدول ۲). در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری شامل ۲۸۱

^۱ Braun & Clarke

نفر از کارکنان و کارشناسان پارک و فناوری است. در بخش کیفی ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. در این تحقیق داده‌های موردنیاز با استفاده از روش میدانی و مصاحبه با ۸ نفر از اساتید دانشگاه و مدیران پارک‌های علم و فناوری در استان آذربایجان غربی که به شکل نظری و هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند، جمع‌آوری شد. سؤالات راهنمای مصاحبه باتوجه به بررسی ادبیات موضوع و مرور نظام‌مند و براساس نظر کارشناسان خبره طراحی شد؛ بنابراین، مصاحبه‌ها با سؤالات کلی و ساده شروع شد و به سمت سؤالات تخصصی و جزئی‌تر پیش رفت و هر مصاحبه حدود یک ساعت و گاهی بیشتر طول کشید. در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته، براساس مفاهیم استخراج‌شده مدل کیفی و در قالب ۲۲ گویه و در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت طراحی و ساخته شد. به‌منظور بررسی پایایی و اعتبار پژوهش، در مطالعه حاضر، ابتدا تمامی مصاحبه‌ها را خود محقق و یک مصاحبه‌گر همکار یادداشت‌برداری کرده‌اند. همچنین، صدای مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده در جلسه، با کسب اجازه از مصاحبه‌شونده، با رکورد ضبط شده است. سپس یک نسخه کتبی از مصاحبه‌های ضبط‌شده تهیه شد و در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت تا به تأیید وی برسد.

پس از کشف ابعاد و مؤلفه‌های مدل، برای اعتبارسنجی آن از روش کمی معادلات ساختاری استفاده شده است. به این منظور پرسش‌نامه‌ای در قالب ۲۲ گویه، با مقیاس پنج ارزشی لیکرت تنظیم و در اختیار جامعه آماری بخش کمی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و روش الگویابی معادلات ساختاری انجام شد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری در پارک‌های علم و فناوری، به روش آمیخته (کیفی - کمی) انجام شد. برای رسیدن به هدف پژوهش، با مصاحبه عمیق با اساتید دانشگاه و مدیران پارک‌های علم و فناوری در استان آذربایجان غربی و تحلیل یافته‌های حاصل‌شده، مفاهیم پایه، مقوله‌های فرعی و کلان مدل با رویکرد تحلیل مضمون شناسایی شدند و در نهایت، با روش معادلات ساختاری، مدل خط‌مشی‌گذاری در پارک‌های علم و فناوری و مدل نهایی پژوهش با ۸ مقوله کلان ارکان نظام سیستماتیک پارک، الگویابی و الگوسازی، رخدادهای و رویدادها، کارکردها و وظایف، سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، اقتصادمحوری، مقوله‌های حمایت و پشتیبانی و فرهنگ‌سازی و ۲۲ مقوله فرعی تأیید شد. مضمون‌های شناسایی‌شده با بسیاری از شاخص‌های ارائه‌شده توسط پژوهشگران داخلی و خارجی مطابقت داشت. در ادامه به بررسی همسویی نتایج با پژوهش‌های پیشین پرداخته شده است.

نتایج پژوهش دانش فرد و آرامش (۱۳۹۶) نشان داد که معضلات ناشی از دوگانگی‌های توسعه، روش‌شناسی خط‌مشی‌گذاری، دوگانگی‌های خط‌مشی‌گذاری، عقلانیت، جهانی‌شدن، حکمرانی خوب و خط‌مشی یادگیرنده، چالش‌های خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شوند. در این پژوهش نیز به موضوعات عقلانیت، جهانی‌شدن و ارتباطات جهانی و مسائل حکومتی و حکمرانی، پرداخته شده است. مؤلفه‌های فرهنگ‌سازی، ارتباطی، مدیریت تکنولوژی و اقتصادی از عناصر الگوی خط‌مشی‌گذاری سازمان‌های فرهنگی در پژوهش قربانی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، هستند که در این پژوهش نیز بر آن‌ها تأکید شده است. مؤلفه مشارکت در فرایند خط‌مشی‌گذاری در تحقیق عرفانی و قاسمی (۱۳۹۵) به‌عنوان عوامل مؤثر در تدوین، اجرا، ارزیابی و تغییر در خط‌مشی عمومی، آمده که در این پژوهش نیز به آن پرداخته شده است. شناسایی نیازهای بازار کار، ساختار سازمانی، منابع و امکانات، سیاست‌زدگی، عوامل اقتصادی و فرهنگی از جمله مفاهیمی است که در پژوهش صدقی و همکاران (۱۴۰۰) به آن‌ها پرداخته شده که یافته‌های پژوهش

حاضر نیز با این پژوهش همسو است. نتایج پژوهش حاضر از نظر توجه به مفاهیم، چشم‌انداز توسعه منابع انسانی، شایسته‌سالاری و ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی با پژوهش روزبه و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. مفهوم بازنگری در قوانین و اسناد بالادستی همگام با نتایج رهنورد و شیرین (۱۳۹۴) بوده و هر دو به داشتن الگویی درست و منطقی در خط‌مشی‌گذاری تأکید دارند. این پژوهش همچون استاچویو همکاران (۲۰۱۹) به ایجاد روابط بین کشورهای جهان تأکید و به‌طور کلی ارتباطات جهانی تأکید دارد.

مؤلفه‌های ساختارهای سیستم‌های مدیریتی و نیز ارتقا وضعیت سیاست‌های موجود در بخش عمومی در پژوهش دورگاپرساد (۲۰۱۱) مشابه مقوله‌های ارکان نظام سیستماتیک پارک و سیاست‌گذاری‌ها در سطح کلان در این پژوهش است. نتایج تحقیق وانر و بیکت (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که تغییر و توسعه الگو زمانی به‌وجود می‌آید که سیاست درک، طراحی، تحلیل، ارائه و ارزیابی شود. در پژوهش حاضر نیز به موضوع نبود الگوی موفق در کشور اشاره شده است. نتایج تحقیق فریتی و همکاران (۲۰۱۹) بیانگر این بود که مداخله دولتی در سیاست‌های عمومی باعث گسست در تصمیم‌گیری می‌گردد. این موضوع در پژوهش حاضر به‌صورت دادن اختیارات به پارک‌ها و عدم دخالت دولت، مورد بررسی قرار گرفته شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

احمدی، رضا. (۱۳۸۴). «ضرورت، نقش و تأثیر مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در تحقیق و توسعه». پنجمین همایش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن، تهران.

احمدی‌نیک، حمید و طاهری گودرزی، حجت. (۱۳۹۶). «تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی‌های عمومی». چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی. احمدی‌نیک، حمید؛ جابر انصاری، محمدرضا و طاهری گودرزی، حجت. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین فرهنگ‌سازمانی و جو اخلاقی در مراکز درمانی تأمین اجتماعی استان لرستان». کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران، تهران.

رجایی، زهره؛ دانش فرد، کرم‌اله. (۱۳۹۶). «شکل‌گیری خط‌مشی در حوزه سلامت نظام اداری ایران». پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۳۸ رتبه علمی - پژوهشی (وزارت علوم) /ISC، ۳۴-۹.

دیوسالار، علی و قاضی نوری، سید سپهر. (۱۳۸۶). «استراتژی ملی تکنولوژی، تدوین مدلی برای استخراج آن؛ مطالعه موردی: استراتژی ملی نانوتکنولوژی ایران». دومین همایش دانشجویی فناوری نانو، کاشان.

رهنورد آهن، فرج‌اله، علی، شیرین. (۱۳۹۴). «ارزشیابی اثربخشی آموزش‌های بهبود مدیریت و شناسایی عوامل بازدارنده آن». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی (علمی-پژوهشی)، دوره پنجم، شماره دوم، ۷۳-۹۶.

روزبه، علی مصطفی؛ تیمورنژاد، کاوه و ربیعی مندجین، محمدرضا. (۱۳۹۸). «ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری توسعه منابع انسانی با تأکید بر نقش‌های بازیگران و ترسیم روابط میان مؤلفه‌های الگو در دستگاه‌های دولتی ایران». مجله توانمندسازی سرمایه انسانی، ۲(۴)، ۲۸۴-۲۶۵.

شکری، زینب؛ دانایی فرد، حسن؛ خیرگرو، منصور؛ فانی، علی اصغر. (۱۳۹۷). «چگونگی ارزشیابی کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران». فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۶، ۱.

عرفانی، اشرف و محمدقاسم. (۱۳۹۵). «مروری بر عوامل مؤثر در تدوین، اجرا، ارزیابی و تغییر در خطمشی عمومی، دومین اجلاس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران». قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت.

قاضی نوری، سیدسپهر. (۱۳۸۲). «کاربرد مفهوم "تولید تمیز" برای بهینه‌سازی مصرف انرژی در صنعت». چهارمین همایش ملی انرژی، تهران.

قربانی‌زاده، وجه‌الله؛ شریف‌زاده، فتاح؛ حسین‌پور، داوود؛ مروج، محمود. (۱۳۹۶). «ارائه الگوی خطمشی‌گذاری سازمان‌های فرهنگی (مورد مطالعه: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)». فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۳، ۶۱-۷۸.

کریمی طرارانی، محبوبه؛ شریف‌زاده، فتاح؛ سید نقوی، میرعلی و حسین‌پور، داود. (۱۳۹۸). «الگوی خطمشی‌گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان در نظام نوآوری». فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۷(۱۳)، ۴۰-۵۴.

لکی، بهمن. (۱۳۹۷). «بررسی نارسایی‌های تدوین و اجرای خطمشی‌گذاری در سازمان‌های ایرانی». رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵.

Smith, K. B., & Larimer, C. W. (۲۰۱۷). *The public policy theory primere*. Third edition, Boulder, Colorado: Westview Press.

Stachová, Katarína. Papula, J Papn. Zdenko, Stacho, Kohnová, Lucia. (۲۰۱۹). *External Partnerships in Employee Education and Development as the Key to Facing Industry 4.0 Challenges*, Sustainability ۲۰۱۹, ۱۱(۲), ۳۴۵; <https://doi.org/10.3390/su11020345>.